

راز قربانی کردن تولید ملی در پیش پای واردات بی رویه / دکتر غلامحسین احمدی



آقای دکتر محمدحسین ادیب، استاد محترم اقتصاد در ستون "نگاه" روزنامه همشهری مورخ ۲۶/۰۲/۱۳۹۵ با ارائه یک مقدمه نه چندان دقیق، یک نتیجه دقیقاً خطرناک را به حوزه اقتصاد و برخی مسئولان آن که بعضاً اعتقاد دارند "دولت همه حمایت های لازم را از سرمایه گذاران خارجی حتی بیش از سرمایه گذاران ایرانی اعمال می کند" القاء می نمایند.

ایشان می فرمایند: " ۹۵ درصد تکنولوژی صنایع کشورمان از نوع صنایع موج دوم و ناتوان از رقابت با صنایع موج سوم و چهارم است " و " راز آن هم عمدتاً پرداخت ۳۱ میلیارد دلار یارانه انرژی به اقتصاد است ". اگر چه برای صحت آمار ۹۵ درصد و یا رقم ۳۱ میلیارد دلار و همتراز گرفتن بهای انرژی مربوط به کل اقتصاد با بهای انرژی مصروف در صنعت جای تردید و یا حداقل ضرورت رجوع به منابع و مواخذ دارد لیکن و به فرض صحت این اطلاعات سوالات زیر مطرح می شود:

۱- آیا علت عمده ناتوانی قدرت رقابت تولید داخلی (موج دومی) در برابر تولیدات جهانی (از نسخ موج سوم و چهارم به تعبیر الوین تافلر) در جوامعی مانند ایران واقعاً یارانه انرژی است؟ آیا از دوره ای که بهای انرژی صنعت در ایران به شدت افزایش یافت و سهم یارانه جبران افزایش ناگهانی و گزاف آن چیزی نصیب واحدهای تولیدی

نشد بنگاه های تولیدی و صنعتی ما رشد کردند؟ یا در سراشیب سقوط و نابودی بیشتر قرار گرفتند؟ آیا در سرزمینی که مصرف کنندگان انرژی (مثلاً بنزین به قیمت نزدیک به قیمت FOB خلیج فارس) روی دریای نفت و گاز زندگی می کنند، سیگنال رقم خیره کننده " ۳۱ میلیارد دلار " برای اقتصاد و مسئولان آن تندتر کردن شیب سرسره سقوط تولید ملی و گستردن فرش قرمز برای واردات بی رویه باز هم بیشتر مصنوعات خارجی نیست؟

۲- میفرمایند : " دومین عامل ماندگاری صنایع دارای فناوری قدیمی در ایران پرداخت تسهیلات بانکی در قالب وام به شرکتهای بزرگی است که عمده آنها تولیدی بوده و از بازپرداخت اصل و فرع آنها خودداری می کنند " .

اگر این اظهارات که در ادبیات مسئولین درجه اول پیشین مملکت نیز رایج بود و قرار بود لیست اسامی آنها نیز اعلام و مورد پیگرد و وصول قرار گیرد. قرار نیست فقط ترجیح بنده سخنرانیها و مقالات باشد. پس نویسنده محترم مقاله حتماً اشراف کامل دارند که :

الف : مثلاً در سطح فروشگاه های زنجیره ای کشور امروزه می توان کالاهای مصرفی مانند مواد غذایی را با تخفیفات حدود ۵۰٪ یا حتی بیشتر خریداری نمود. آیا به نظر مشارالیه صنایع موجی ایران (از جمله صنایع غذایی موج دومی) بیش از ۶۰٪ سود دارند که ۵۰٪ تخفیف به مشتری می دهند؟ یا حقیقت آن است که سود واحدهای فعال صنایع غذایی در بهترین حالت به ۱۰٪ هم نمی رسد و علت این تخفیفها عدم ارائه تسهیلات از سوی بانکها به واحدهای تولیدی و اجبار آنها به نزول کردن سرمایه در گردش خود با ۵/۳ تا ۴٪ در ماه برای احتراز از تعطیلی واحد خود و پرداخت حقوق و دستمزد، مالیات و حق بیمه و ... است. از این رو گزینه تخفیفات ۵۰ درصدی را انتخاب می نماید.

ب : ضمناً مشارالیه اشراف دارند که چند درصد از واحدهای تولیدی در شرکتهای صنعتی هم اکنون تعطیل و باقیمانده هم با چند درصد ظرفیت کار می کنند و بدیهی است که این صنایع قادر به خلق سودهای بالای ۵۰٪ نمی باشند و تخفیف های مذکور عمدتاً تاکتیک های خودزنی و خودکشی قبل از مرگ است.

۳- آیا به فرض حذف یارانه اندک انرژی واحدهای تولیدی در شرایط رکود بی سابقه کنونی و همزمان با افزایش سایر نهاده های تولیدی کارخانجات باقیمانده تعطیل خواهند شد؟ کارگران و کارمندان اخراجی آنها که قبلاً در انزوا انتحار می کردند من بعد آشکارا و در ملأ عام به این امر مبادرت خواهند کرد؟ (کافی است به موارد خودکشی اعتراضی اخیر در خیابان ها و روی پل های شهرهای بزرگ تأمل کنید).

از اساتید و علما محترم انتظار می رود در شرایط رکود مزمن و سنگین مانند آنچه اکنون حاکم است به مسئولین محترم یادآوری نمایند که در همه جای دنیا دولت و مسئولین به داد تولید داخلی می‌رسند و موقتاً هم که شده هزینه های جانبی مانند مالیات، بیمه، عوارض و ... را کاهش می‌دهند تا کالبد نیمه جان آن نفسی تازه کند نه این که بازدن آخرین لگد بوی الرحمان آن را پراکنده سازند.

دکتر غلامحسین احمدی

نایب رئیس هیئت مدیره انجمن صنایع تولید و صادرکنندگان کنسانتره و آبمیوه ایران